

دوست ارغنده آنا گودرز

سلام صبا نه ام را بنذر برید و اجازه بدید از اخبار مربوط به فرزند خانوشی و
سگرمی خودم پر چند چندان جالب هم بنیاید؛ برایشان بنویسم. نوزدم این
ماه شب سوخوانی داشتیم که سمرانی شریعت و از شروع ما خواهم بردن
«تخمیل» است بود. شاید واره خوبی است اما... شرح آن شب در روزنامه
نبرد چاپ شد که برام شما همراه این نامه میفرستم.

به هر حال با خوانش «سگرمی تقنی و سلگی» دیدم از بر سر انجام
آنا فان (نرمباران) همان شب هم جلد کتاب را آورد که خودم
به فرزند رسید و باز من «لا کتاب» ماندم. در میان کتابها و سلگی از او
پرسیدم گفت بنده چیزی بر شما ننوشته. ناراحت شدم و قول گرفتم با
آنا ^{بچه در شام} تماس بگیرم. اما همین حالا تقنی از او خودم که صحبت جلد کتاب را
به حساب بخشی از هزینه است بر او بگذارد و او پذیرفت و قول داد در
مورد بقیه کتاب آبا سوس بگیرد. شخصاً می خودم بدانم با آنها
چه کردید. هر را بنده شکر فتم و منتظرم. لطفاً این نامه را با پاره کنید.
ضمناً عکس دیگر از شب سوخوانی را برایشان میفرستم و

آوردن تذکره‌ها و موقعیت اگر را دارم.
سلام گرم به همه دوستان

زانه

